

عراق تحت حاکمیت صدام: کشاکش قدرت و ناتوانی

تهیه و تنظیم: گروه ترجمه فصلنامه

مقدمه

با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، دوران حاکمیت حزب بعث در عراق نیز به پایان رسید. سقوط سریع همراه با ابهام وی، پرسشهای متفاوتی را در دو محور دلایل و پیامدهای آن مطرح کرد. هرچند تاکنون، بیشتر این پرسشها بی پاسخ مانده اند، اما پرسشی که از این میان بیش از همه خودنمایی می کند، اینکه عراق تحت حاکمیت صدام از زمان روی کار آمدن وی در سال ۱۹۷۹ تا زمان سقوطش در سال ۲۰۰۳ چه تحولات مهمی را پشت سر گذاشت که در نهایت، به سقوط رژیم بعث منجر شد؟

مطالعه و بررسی در مورد موضوع مزبور دست کم، به دو دلیل اهمیت دارد: نخست اینکه عراق در تمام دوران حکومت صدام با ایران چالشهای امنیتی و نظامی داشت که نقطه اوج آن، تحمیل جنگ هشت ساله به مردم ایران بود. دوم اینکه مطالعه نحوه تعاملات عراق با نظامهای منطقه ای و بین المللی و نتایج پیامدهای آن تجربه بزرگی برای کشورمان در بردارد.

در میان دیدگاهها و نظریاتی که تاکنون، در مورد سقوط صدام ارائه شده است، دیدگاهی که بیش از همه قابل هضم تر و تأمل برانگیزتر است، این است که عراق تحت حاکمیت صدام همان گونه که از سالهای قبل پیش بینی می شد، به دلیل قرار گرفتن در کشاکش قدرت و ناتوانی، در نهایت به سمت بحران پیش رفت و از این

رومی توان بسیاری از رازهای نهفته علل سقوط صدام را در این فرضیه یافت. به عبارت دیگر، بی گمان، نوع رژیم سیاسی حاکم بر عراق، شیوه های تصمیم گیری، عملکرد و رفتارهای خارجی و داخلی آن، قدرت نظامی و تلاش برای دستیابی به سلاحهای غیر متعارف، واقعیهایی بودند که عراق دوران صدام را به سمت سقوط اجتناب ناپذیر سوق دادند. البته، طرح این فرضیه به معنی نادیده گرفتن دیگر دلایل و انگیزه های حمله به عراق و اشغال آن به دست آمریکا و متحدانش نیست.

گروه ترجمه فصلنامه مقاله حاضر را تنها با هدف بررسی عملکردهای داخلی و خارجی صدام، با استفاده از منابع خارجی تدوین کرده است. همچنین، این مقاله، تنها گویای بخشی از واقعیهایی است که در تحلیل این روند می تواند کارشناسان امور را کمک کند.^(۱)

به قدرت رسیدن صدام

صدام حسین در سال ۱۹۳۷ در منطقه تکریت واقع در شمال بغداد به دنیا آمد، در سال ۱۹۵۷، به حزب بعث پیوست و پس از شرکت در تلاش نافرجامی برای ترور عبدالکریم قاسم، نخست، به سوریه و سپس، به مصر گریخت. وی به طور غیابی به پانزده سال حبس محکوم شد و پس از به قدرت رسیدن حزب بعث در ۱۹۶۳، به بغداد بازگشت، اما سال پس از آنکه حزب بعث قدرت را از دست داد، مخفی و پس از آن دستگیر و زندانی شد،

(۱) در تهیه این مطلب بخشی از اسناد وزارت امور خارجه انگلیس که درباره عراق منتشر شده استفاده شده است.

هدف اعلام شده عراق، در دسترسی به فناوری هسته‌ای تولید یک کلاهک موشک با بازده ۲۰ کیلوتن و طرح‌های تسلیحاتی برای ساده‌ترین سلاح‌های انفجار از درون بود؛ این سلاح‌ها به سلاحی شباهت داشتند که در سال ۱۹۴۵، در ناکازاکی استفاده شد

واقعی خود یا آنان که در مکان دشمنی قرار می‌گرفتند، ابزار اجبار را به کار می‌برد. هدف‌های وی، نه تنها کسانی که به او جسارت کرده بودند، بلکه خانواده‌ها، دوستان یا همکاران آنها نیز بودند.

صدام عمل می‌کرد تا اطمینان یابد در عراق، هیچ مرکز قدرت دیگری وجود نداشت. وی احزاب و گروه‌های قومی، مانند کمونیست‌ها و کردها را که ممکن بود بکوشند خود را نشان دهند، درهم کوبید. اعضای اپوزیسیون در خارج، هدف تلاش‌های ترور‌هایی که از سوی سرویس امنیتی عراق هدایت می‌شد، قرار گرفتند. در شبکه خبرچینان دولت عراق، افسران ارتش بخش مهمی بودند. شک درباره اینکه افسری تمایلاتی غیر از خدمت به رئیس‌جمهور دارد، به اعدام فوری منجر می‌شد. برای صدام کاملاً عادی بود که در مقابل کسانی که به نظر او ممکن بود، علیه وی توطئه کنند، اقدام پیشگیرانه انجام دهد.

دستگاه امنیتی صدام

صدام به فهرست بلند بالایی از سازمان‌های امنیتی متکی بود که مسئولیت‌های آنها با یکدیگر تداخل داشت. سازمان‌های امنیتی مهم عبارت بودند از:
- سازمان امنیت ویژه، که بر امنیت صدام نظارت و وفاداری دیگر سرویس‌های امنیتی را کنترل می‌کرد.
- کارکنان این سازمان بیشتر اهل تکریت بودند.
- گارد ویژه ریاست جمهوری، که به بهترین تجهیزات نظامی موجود مجهز و اعضای آن بر اساس وفاداری به

اما در سال ۱۹۶۷ از زندان گریخت و مسئولیت امنیت حزب بعث را بر عهده گرفت. وی مصمم بود خواسته خود را بر حزب تحمیل کند و در مرکز قدرت قرار گیرد. در سال ۱۹۶۸، حزب بعث دوباره به قدرت رسید و در سال ۱۹۶۹، صدام معاون رئیس شورای فرماندهی انقلابی، معاون رئیس‌جمهور و معاون دبیر کل فرماندهی منطقه‌ای بعث شد، در سال ۱۹۷۰، به فرماندهی ملی حزب پیوست، هفت سال بعد، به عنوان معاون دبیر کل انتخاب شد و سرانجام، در ژوئیه سال ۱۹۷۹، ریاست جمهوری عراق را بر عهده گرفت.

سیاست‌های داخلی

هرچند زندگی عمومی در عراق، تحت تسلط حزب بعث قرار داشت، اما تمام قدرت واقعی در دست صدام و محفل نزدیک به او بود. خانواده، قبیله و تعداد کمی از همراهانش وفادارترین حامیان وی بودند و صدام از آنها برای انتقال دستورات خود، از جمله به اعضای دولت، استفاده می‌کرد.

رئیس‌جمهور عراق برای برانگیختن حامیان خود و کنترل یا از بین بردن مخالفت‌ها، از سرپرستی و خشونت استفاده می‌کرد. پادشاهی بالقوه عبارت بودند از: موقعیت اجتماعی، پول و دسترسی بهتر به کالا. دستگاه عریض و طویل امنیتی صدام و شبکه حزب بعث نظارت بر جامعه عراق را تأمین می‌کرد. این دستگاه در سازمان‌های اجتماعی، دولتی و نظامی خبرچین داشت. صدام شکنجه می‌داد، اعدام می‌کرد و علیه دشمنان

رژیم انتخاب می شدند.

- اداره کل امنیت، که مسئول اولیه مقابله با تهدیدهای افراد غیر نظامی بود.

- اداره کل اطلاعات، که فعالیتهای ناراضیان را در داخل و خارج کنترل و سرکوب می کرد.

- اداره اطلاعات نظامی، که نقش آن تحقیق در پرسنل نظامی بود.

- فداییان صدام، که تحت کنترل عدی، پسر صدام، قرار داشت و برای مقابله با ناآرامیهای داخلی از آن استفاده می شد.

افزون بر این، عدی، پسر صدام، شکنجه گاهی اختصاصی در ساختمانی واقع در ساحل رود دجله داشت. این شکنجه گاه که ظاهراً، تأسیسات برق بود، به اتاق سرخ شهرت داشت. در سال ۱۹۹۴، وی نیرویی شبه نظامی تشکیل داد که برای اعدام قربانیان در خارج از خانه هایشان به عنوان شمشیر عمل می کردند. وی شخصاً، افراد را اعدام می کرد. اعدام شیعیان در جریان شورش آنها در عراق پس از جنگ خلیج فارس نمونه ای از این موضوع است.

اعضای خانواده صدام نیز تحت تعقیب قرار می گرفتند. علاء القادر المجید، پسر عموی صدام، از عراق به اردن گریخت و عدم موافقت خود را در مورد مسائل جاری با رژیم اظهار کرد. وی پس از اینکه سفیر عراق در اردن به طور علنی اعلام کرد که زندگی او در خطر نیست، به عراق بازگشت. طاهر هبوش، رئیس اداره کل اطلاعات (مخابرات) او را در مرز ملاقات کرد و وی را به مزرعه ای، که به علی حسن المجید تعلق داشت، برد. در آنجا علاوه بر درختی بستند و عده ای از اعضای نزدیک خانواده او به دستور صدام به نوبت به او تیراندازی کردند. حدود چهل نفر از خویشاوندان صدام شامل زنان و کودکان به دستور وی به قتل رسیدند. دامادهای وی به نامهای حسین و صدام کامل در سال ۱۹۹۵ از صدام بریدند و پس از اینکه دولت عراق برای آنها اعلام عفو کرد، از اردن به عراق بازگشتند، اما در فوریه سال ۱۹۹۶ اعدام شدند.

سرکوب کردها و شیعیان

صدام برنامه درازمدت تعقیب و آزار کردهای عراق را دنبال می کرد؛ اقدامی که از طریق استفاده از سلاحهای

هرچند زندگی عمومی در عراق، تحت تسلط

حزب بعث قرار داشت، اما تمام قدرت واقعی

در دست صدام و محفل نزدیک به او بود؛

خانواده، قبیله و تعداد کمی از همراهانش

وفادارترین حامیان وی بودند و صدام از آنها

برای انتقال دستورات خود،

از جمله به اعضای دولت، استفاده می کرد

شیمیایی نیز انجام می گرفت. در خلال جنگ ایران و عراق، صدام، پسر عموی علی حسن المجید را جانشین خود در شمال قرار داد. المجید در ۱۹۸۸-۱۹۸۷، حمله موسوم به انفال را به دهکده های کردنشین انجام داد. عفو بین الملل برآورد می کند که طی این دوره، صد هزار کرد کشته یا ناپدید شدند.

پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، کردهای شمال عراق علیه حکمرانی بغداد به پا خاستند. در پاسخ به این قیام، رژیم عراق هزاران نفر را قتل عام یا زندانی کرد. بدین ترتیب، بحرانی انسانی پدید آمد و بیش از یک میلیون کرد به کوهستانها گریختند و برای خروج از عراق کوشیدند.

تعقیب کردهای عراق ادامه یافت. البته، حفاظت تأمین شده با منطقه پرواز ممنوع در شمال، از زیاده روی های بیشتر وی کمک کرد، اما در خارج از این منطقه، رژیم بغداد همچنان، به سیاست تعقیب و اراجاب ادامه داد.

به دنبال این سیاست، رژیم بعث، از سلاحهای شیمیایی علیه کردها، به ویژه در شهر حلبچه (۱۹۸۸) استفاده کرده است. تهدید ضمنی استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه کردها و دیگران، بخش مهمی از تلاش صدام برای در کنترل نگه داشتن افراد غیر نظامی بود.

رژیم بغداد کوشید جمعیتهای سنتی کرد و ترکمن را از مناطق تحت کنترل آنها جابه جا کند. این امر بیشتر برای تضعیف ادعاهای کردها به منطقه نفت خیز در اطراف شهر شمالی کردنشین کرکوک صورت گرفت. کردها و دیگر اقوام غیر عرب به اجبار، به سه فرمانداری



سوء استفاده از حقوق بشر

این بخش بر اساس گزارشهای مربوط به سوء استفاده از حقوق بشر از سازمانهای بین‌المللی از جمله سازمان عفو بین‌الملل و سازمان دیده بان حقوق بشر نوشته شده است.

مردم کماکان، بر اساس ظن و شک به انجام فعالیتهای سیاسی یا دینی و اغلب بدین دلیل که عضو گروههای مخالف‌اند، دستگیر و زندانی می‌شدند. اعدامها بدون رعایت مراحل قانونی انجام می‌گرفت. از دفن قربانیان به دست خویشاوندانشان طبق مقررات اسلامی، جلوگیری می‌شد. طی این مدت، هزاران زندانی نیز اعدام شدند.

برخی از مصادیق سوء استفاده از حقوق بشر عبارت‌اند از:

- ۴ هزار زندانی در سال ۱۹۸۴ در زندان ابوقریب اعدام شدند.

- ۳ هزار زندانی بین سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸ در زندان ماهجر اعدام شدند.

- حدود ۲۵۰۰ زندانی بین سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ در عملیات تصفیه زندانها اعدام شدند.

- ۱۲۲ زندانی مرد در ماههای فوریه و مارس سال ۲۰۰۰ و ۲۳ زندانی سیاسی دیگر نیز در اکتبر سال ۲۰۰۱ در زندان ابوقریب اعدام شدند.

- زنان زندانی در زندان ماهجر به طور معمول، از سوی نگهبانان خود مورد تجاوز به عنف قرار می‌گرفتند.

- روشهای شکنجه که در زندانهای عراق مورد استفاده قرار می‌گرفت، مته‌های برقی برای سوراخ کردن دستها، کشیدن ناخنهای دست، بریدن با استفاده از چاقو، حملات جنسی و تجاوز به عنف رسمی را شامل می‌شد. زندانیان در زندان قطیه در بغداد و در محلهای دیگر در صندوقهای فلزی به اندازه کارتن چای قرار داده می‌شدند.

صدام فرمانهایی صادر می‌کرد که مجازاتهای شدیدی برای جرایم سیاسی در پی داشت. این مجازاتها قطع کردن اعضای بدن، داغ زدن، بریدن گوشها و دیگر روشهای قطع کردن اعضای بدن را شامل می‌شد. زبان هر فردی که گناهش ناسزا گفتن به رئیس جمهور تشخیص داده می‌شد، قطع می‌شد.

صدام شکنجه می‌داد، اعدام می‌کرد و علیه

دشمنان واقعی خود یا آنان که در مقام

دشمنی قرار می‌گرفتند،

ابزار اجبار را به کار می‌برد؛

هدفهای وی، نه تنها کسانی که به او

جسارت کرده بودند، بلکه خانواده‌ها،

دوستان یا همکاران آنها نیز بودند

شمال عراق، دوهوک، اربیل و سلیمانیه، رانده شدند که تحت کنترل دوفاکتوی کردها قرار داشت. طبق گزارش مخبر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد عراق، از سال ۱۹۹۱ به بعد، ۹۴ هزار نفر از کردها از منطقه خودشان رانده شدند. زمینهای کشاورزی متعلق به کردها مصادره و مجدداً بین عربهای ساکن جنوب عراق توزیع شد تا انگیزه‌ای برای کوچ آنان به منطقه کرکوک باشد.

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، که به اخراج شاه ایران انجامید، صدام از وحشت روبه‌رو شدن با رژیم جدید شیعه در ایران، مبارزه علیه اکثریت مسلمانان شیعه را شدت بخشید.

در اوایل مارس سال ۱۹۹۱، در آستانه جنگ خلیج فارس، شورشی در شهر بصره در گرفت که به سرعت، به دیگر شهرهای شیعه نشین جنوب عراق نیز سرایت کرد. رژیم عراق با کشتن هزاران نفر به این شورشها واکنش نشان داد. این بار نیز بسیاری از شیعیان کوشیدند به ایران و عربستان سعودی فرار کنند.

از آنجا که بعضی از شیعیان مخالف رژیم بعث می‌کوشیدند در مردابهای جنوب عراق پناه بگیرند، صدام برای مقهور کردن آنها برنامه بزرگ خشک کردن مردابها را در پیش گرفت تا نیروهای زمینی بتوانند تمام مخالفان را در آنجا از بین ببرند. جمعیت روستایی آن منطقه یا گریختند یا به شهرهای دیگر پناه بردند یا از مرز عبور کردند و به ایران وارد شدند.

جنگهای صدام

صدام برای تثبیت کنترل مطلق خود بر عراق کوشید این کشور را به قدرت مسلط منطقه تبدیل کند. وی برای تحقق این هدف عراق را به دو جنگ تجاوز کارانه علیه همسایگان وارد کرد (یعنی جنگ ایران و عراق و حمله به کویت).

با سقوط شاه در ایران در سال ۱۹۷۹، روابط ایران و عراق به سرعت تیره شد. در سپتامبر سال ۱۹۸۰، صدام قرارداد مرزی ای را که در سال ۱۹۷۵ با ایران منعقد کرده بود و طبق آن، نیمی از شط العرب به ایران داده شده بود، لغو کرد. وی معتقد بود می تواند از ضعف، انزوا و از هم پاشیدگی ای که به نظر او، پس از انقلاب در ایران پدید آمده بود، بهره ببرد. هدف او این بود که منطقه ای را که چند سال پیش به ایران واگذار کرده بود، مجدداً تصرف نموده، موقعیت عراق را به عنوان رهبر جهان عرب تثبیت کند. وی انتظار داشت که این جنگ کوتاه و سریع باشد، اما خلاف انتظار او، این جنگ هشت سال به طول انجامید و طی آن، عراق بیش از پانصد موشک بالستیک به اهدافی در ایران از جمله شهرهای بزرگ شلیک کرد. برآورد می شود که جنگ ایران و عراق برای دو طرف، یک میلیون تلفات داشته است. در این جنگ، عراق از سال ۱۹۸۴ به بعد، به شکل وسیعی از سلاحهای شیمیایی استفاده کرد. حدود بیست هزار ایرانی با گاز خردل و گازهای اعصاب تابون و سارین کشته شدند. شورای امنیت سازمان ملل گزارشی را که سه کارشناس منصوب دبیر کل سازمان در مارس سال ۱۹۸۶ تهیه کرده بودند بررسی و به دنبال آن، رئیس شورا بیانیه ای صادر کرد که در آن استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی محکوم شده بود؛ نخستین باری که از کشوری به عنوان ناقض کنوانسیون ژنو ۱۹۲۹ نام برده شد که استفاده از سلاحهای شیمیایی را ممنوع می کند.

هزینه جنگ برای دو طرف جنگ بیش از صدها میلیارد دلار بود، اما عراق چیزی به دست نیاورد. پس از پایان جنگ، صدام تلاش هایی را برای برتری در خلیج فارس در پیش گرفت، سیاستهای وی، هزینه کردن مبالغ هنگفتی را برای تجهیزات نظامی می طلبید، اما بدهیهای ناشی از جنگ مانعی در این راه محسوب می شد. ضمن

آنکه، قیمت نفت به عنوان تنها صادرات مهم آن کشور است، پایین بود.

تا سال ۱۹۹۰، عراق همچنان با مشکلات مالی روبه رو بود؛ صدام تصمیم گرفت کشورهای نفت خیز خلیج فارس را وادار کند با محدود کردن تولید، قیمت نفت را افزایش دهند و از چهل میلیارد دلاری که طی جنگ با ایران به عراق وام داده بودند، صرف نظر کنند. کویت، این امتیاز را از نظر سقف تولید به عراق داد، اما صدام کویت را به دلیل افزایش تولید سرزنش می کرد. هنگامی که تهدیدها و باج خواهیهای عراق نتیجه نداد، صدام در ۱۲ اوت سال ۱۹۹۰، به کویت حمله کرد.

صدام همچنین، کوشید تا تصرف کویت را به صورتهای دیگر توجیه کند. وی همانند دیگر رهبران عراق ادعا کرد که حکمرانان کویت قبلاً، در زمان امپراتوری عثمانی، تحت حکومت حاکم بصره بوده اند؛ بنابراین، کویت باید به عراق تعلق داشته باشد.

در خلال اشغال کویت، عراق مانع از دسترسی نیروهای صلیب سرخ به غیر نظامیان شد که باید در برابر آثار مخاصمات مسلحانه بین المللی حفظ می شدند. نیروهای بعثی برای جرایم نسبتاً کوچکی مانند احتکار مواد غذایی، مجازات مرگ برای کویتها در نظر می گرفتند.

صدام با نیت بازداشتن کشورهای غربی از اقدام نظامی برای بیرون راندن عراق از کویت، صدها نفر تبعه خارجی (مانند کودکان) را در عراق و کویت، گروگان گرفت و خلاف قوانین انسانی و بین المللی، از خروج هزاران نفر از اتباع خارجی از آن کشور جلوگیری کرد و در تعدادی از محلهای غیر نظامی و نظامی استراتژیک، از این گروگانها به عنوان سپر انسانی استفاده شد.

در پایان جنگ خلیج فارس، ارتش عراق در حال فرار از کویت، بیش از ۱۱۶۰ حلقه چاه نفت کویت را آتش زد؛ اقدامی که پیامدهای زیست محیطی جدی ای به دنبال داشت.

بیش از ششصد تن کویتی، اسیر جنگی و افراد مفقودالثر هنوز سرنوشته نامعلومی دارند. عراق از اجرای تعهداتی که سازمان ملل در مورد گم شدگان دارد، خودداری کرد و تنها برای سه پرونده اطلاعات کافی داد.

جنگ ایران و عراق در اوایل دهه ۸۰، برنامه مطالعات سلاحهای میکروبی مجدداً شروع شد.

انتصاب دکتر رهاب طاهاب ریاست یک تیم پژوهش اسلحه میکروبی در المثننا، به توسعه این برنامه کمک کرد. تقریباً در همان زمان، برای گسترش سایت سلمان پاک و تبدیل آن به تأسیسات پژوهش سلاح میکروبی، برنامه‌هایی تهیه شد. دکتر طاهاب تا سال ۱۹۸۷ با تیم خود در المثننا به کار ادامه داد و در این سال، به سلمان پاک منتقل شد که تحت کنترل مدیر کل استخبارات قرار داشت.

در ادامه این تلاش‌ها، سرمایه‌گذاری زیادی برای احداث کارخانه اختصاصی (پروژه ۳۲۴) در الحکم صورت گرفت. تولید عامل در سال ۱۹۸۸ آغاز شد و آزمایشهای تهیه سلاح و سپس پرکردن مهمات، با همراهی کارکنان مؤسسه دولتی المثننا انجام می‌گرفت. از میانه سال ۱۹۹۰، کارخانه‌های غیرنظامی دیگری نیز به خدمت گرفته شدند و در آنها، تغییراتی داده شد تا بتوانند به تولید، پژوهش و گسترش عوامل میکروبی بپردازند. این کارخانه‌ها عبارت بودند از:

- انستیتوی واکسن بیمار تب برفکی به نام دوره که بوتولینوم و توکسین تولید می‌کرد و به پژوهش تأثیرات سلاحهای میکروبی درباره ویروس می‌پرداخت. همچنین، اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد روی سیاه زخم نیز، کارهایی انجام شده است.

- مرکز پژوهش آب و کشاورزی الغرالیه که عراق اعتراف کرد به تولید افلاتوکسین و نیز، مهندسی ژنتیک می‌پرداخته است.

- انستیتوی واکسن و اماریه سرا که برای انبار کردن موجودی دانه‌های عامل میکروبی مورد استفاده قرار می‌گرفت و به مهندسی ژنتیک می‌پرداخت.

تا زمان جنگ خلیج فارس، عراق در حال تولید مقادیر بسیار زیادی از عوامل شیمیایی و میکروبی بود. طبق تعدادی از اظهارنامه‌های عراق به سازمان ملل متحد در دهه ۹۰، پی می‌بریم که آنها تا سال ۱۹۹۱ دست کم، موارد زیر را تولید کرده بودند:

- ۱۹ هزار لیتر بوتولینوم توکسین، ۸۵۰۰ لیتر سیاه زخم، ۲۲۰۰ لیتر افلاتوکسین، ضمن کار روی عوامل دیگر.

- ۲۸۵۰ تن گاز خردل، ۲۱۰ تن تابون، ۷۹۵ تن سارین و

برنامه‌های سلاحهای کشتار جمعی عراق: ۱۹۷۱-۱۹۹۸

عراق به مدت بیش از سی سال مشغول پژوهش درباره جنگهای شیمیایی و میکروبی بود. پژوهشهای مربوط به جنگهای شیمیایی در سال ۱۹۷۱ در محل حفاظت شده‌ای به نام رشاد^(۱) که در شمال شرقی بغداد قرار دارد، آغاز شد. در این محل، درباره تعدادی از عوامل شیمیایی، مانند گاز خردل، CS و تابون پژوهشهایی انجام گرفت. بعدها، در سال ۱۹۷۴ سازمانی اختصاصی به نام الحسن ابن هیتام تأسیس شد. در اواخر دهه ۷۰، برای تأسیس یک مرکز بزرگ پژوهشی و تولیدی در صحرای واقع در غرب بغداد طرحها، و برنامه‌هایی تحت پوشش پروژه ۹۲۲ تهیه شد. قرار بود این مرکز، به موسسه دولتی المثننا^(۲) معروف گردد و با نام ظاهری مؤسسه دولتی عراق برای تولید حشره کش فعالیت کند. این مرکز که عملیات خود را در ۱۹۸۲-۱۹۸۳ آغاز کرد، پنج بخش پژوهش و توسعه داشت که هر یک مأمور پیگیری برنامه خاصی بودند. همچنین، سایت المثننا مرکز مهم تولید عوامل شیمیایی بود و در عین حال، در تبدیل کردن عوامل شیمیایی و میکروبی به سلاح و تمام جنبه‌های آزمایش و تولید سلاح را همراه با ارتش انجام می‌داد. طبق اطلاعاتی که بعدها عراقیها ارائه دادند، در سال ۱۹۹۱، کل ظرفیت تولید سالانه این مرکز چهار هزار تن بوده است، اما به نظر می‌رسد که ظرفیت، بیش از این مقدار رقم بوده است. سه انبار تسلیحات تولیدی مواد متشکله به نامهای فلوجه ۲۱ و ۳ که در نزدیک حبانیه شمال غربی بغداد، قرار داشتند و بخشهایی از آنها پیش از تکمیل شدن، در جریان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ به شدت بمباران شدند، از المثننا پشتیبانی می‌کردند.

همچنین، عراق پژوهش درباره سلاحهای میکروبی را در دهه ۷۰ آغاز کرد. پس از پژوهش مقیاس کوچک، تأسیساتی به منظور پژوهش و توسعه در السلیمان که سلمان پاک نامیده می‌شود، تأسیس شد. این مرکز واقع در ۳۵ کیلومتری بغداد، از سه سمت به رودخانه دجله محدود است. هر چند در مرحله اولیه پژوهش درباره سلاحهای میکروبی پیشرفتهایی حاصل شد، اما عراق تصمیم گرفت تولید سلاحهای شیمیایی و سیستمهای حمل آنها را در المثننا متمرکز کند. با آغاز

(1) Rashad

(2) Almasna

بسیاری از موشک‌هایی که در جنگ خلیج

فارس پرتاب شدند،

موشک‌های اسکادی بودند که پس از تغییراتی

به دست عراقیها بر روی آنها انجام شد،

موشک الحسین نام گرفت و برد آنها

تا ۶۵۰ کیلومتر افزایش یافت

سیکلو سارین و ۳/۹ تن وی ایکس.

برنامه هسته‌ای عراق در دهه ۵۰ زیر نام کمیسیون انرژی اتمی عراق پدید آمد. طبق موافقتنامه همکاریهای هسته‌ای که در سال ۱۹۵۹ بین عراق و شوروی امضا شد، یک مرکز پژوهش هسته‌ای مجهز به یک راکتور پژوهشی در طویته، مرکز اصلی پژوهش هسته‌ای عراق، تأسیس شد. این راکتور پژوهشی تا سال ۱۹۹۱ کار می‌کرد. با اوج گرفتن درآمدهای نفتی عراق در اوایل دهه ۷۰، از توسعه برنامه پژوهشی حمایت شد. در میانه دهه ۷۰، برنامه مزبور با دریافت دو راکتور پژوهشی که نیروی خود را از سوخت اورانیوم بسیار غنی شده می‌گرفت و تجهیزات تولید سوخت و جابه‌جایی، تقویت شد. تا اواخر دهه ۸۰، عراق از نظر تولید اورانیوم خودکفا شده بود. یکی از راکتورها در دست‌پیش از اینکه عملیاتی شود، در ژوئن سال ۱۹۸۱ با حمله هوایی اسرائیل منهدم شد و دیگری، هرگز تکمیل نشد.

تا میانه دهه ۸۰، با وخیم شدن وضعیت عراق در جنگ با ایران، مجدداً به استفاده از فناوری هسته‌ای توجه شد. برای غنی‌کردن اورانیوم به عنوان ماده انشقاق پذیر (ماده‌ای که قلب یک سلاح هسته‌ای است) به منظور استفاده در سلاح‌های هسته‌ای، منابع بیشتری به توسعه این فناوری اختصاص یافت. اورانیوم غنی شده، ارجحیت داشت؛ زیرا، می‌شد آن را به راحتی و مخفیانه‌تر از گزینه دیگر، یعنی پلوتونیوم تولید کرد. عراق برای تولید اورانیوم بسیار غنی شده، جدا سازی الکترومغناطیسی و تقویت گاز سانتریفیوژ، برنامه‌هایی

موازی را در پیش گرفت. تا سال ۱۹۹۱، تأسیسات جدا سازی الکترومغناطیسی ایزوتوپ نزدیک به اتمام بود و تأسیسات دیگری در دست‌احداث قرار داشت، اما عراق هرگز در فناوری جدا سازی الکترومغناطیسی ایزوتوپ موفق نشد و این برنامه، در سال ۱۹۹۱ کنار گذاشته شد. سپس، عراق تصمیم گرفت تلاش‌های خود را بر سانتریفیوژ گاز به عنوان وسیله تولید ماده انشقاق پذیر لازم متمرکز کند. تأسیسات سانتریفیوژ نیز در دست‌احداث بود، اما طرح سانتریفیوژ در حال توسعه بود. در اوت سال ۱۹۹۰، عراق برای ساخت سلاحی هسته‌ای در ظرف یکسال، برنامه ضربتی‌ای را برنامه ریزی کرد. در این برنامه، برای تولید اورانیوم بسیار غنی شده با استفاده از سوخت راکتور پژوهشی شوروی که عملاً غنی شده بود و نیز سوخت مصرف نشده راکتور بمباران شده از سوی اسرائیلیها، یک مدار کوچک سانتریفیوژ گاز ۵۰ ماشینی پیش بینی شده بود. این برنامه ضربتی تا زمان جنگ خلیج فارس پیشرفت چندانی نداشت.

هدف اعلام شده عراق، در دسترسی به فناوری هسته‌ای تولید یک کلاهک موشک با بازده ۲۰ کیلو تن و طرح‌های تسلیحاتی برای ساده‌ترین سلاح‌های انفجار از درون بود. این سلاح‌ها به سلاحی شباهت داشتند که در سال ۱۹۴۵، در ناکازاکی استفاده شد. عراق همچنین، روی مفاهیم پیشرفته‌تر کار می‌کرد. تا سال ۱۹۹۱ این برنامه گروه عظیمی از کارشناسان عراقی از اسناد برنامه، بانک اطلاعاتی و زیرساخت‌های تولیدی پشتیبانی می‌کردند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی گزارش اعلام کرد که عراق برای تولید امواج شوک انفجار با مواد منفجره، نیرومند آزمایش‌هایی انجام داده بود. همچنین، برای درک گزینه‌های مختلف چاشنی نوترونی، تلاش فوق‌العاده کرده در دستیابی به توانمندی تولید، قالب‌ریزی و ماشین‌کاری فلز اورانیوم، پیشرفت در خور توجهی به دست آورده بود.

پیش از جنگ خلیج فارس، عراق صنعت پیشرفته موشک بالستیک را در اختیار داشت. بسیاری از موشک‌هایی که در جنگ خلیج فارس پرتاب شدند، موشک‌های اسکادی بودند که پس از تغییراتی به دست عراقیها، موشک الحسین نام گرفت و برد آنها تا ۶۵۰ کیلومتر افزایش یافته بود. پیش از



از روی اظهارنامه های عراق به سازمان ملل پس از جنگ خلیج فارس، پی می بریم که این کشور تا سال ۱۹۹۱، انواع وسائل حمل سلاحهای شیمیایی و میکروبی، از جمله بیش از شانزده هزار بمب سقوط آزاد و بیش از یازده هزار راکت توپخانه و توپ، تولید کرده است

میکروبی، از جمله بیش از شانزده هزار بمب سقوط آزاد و بیش از یازده هزار راکت توپخانه و توپ، تولید کرده است. همچنین، عراق نزد کمیسیون ویژه سازمان ملل اعتراف کرد که برای موشکهای بالستیک خود، ۵۰ کلاهک شیمیایی و ۲۵ کلاهک میکروبی داشته است.

استفاده از موشکهای بالستیک

طی جنگ علیه ایران، عراق بیش از ۵۰۰ موشک نوع اسکاد بر هدفهای نظامی و غیر نظامی ایران و در جریان جنگ خلیج فارس، ۹۳ موشک نوع اسکاد بر اهدافی در اسرائیل و بر نیروهای مستقر متحدان در منطقه خلیج فارس شلیک کرد.

در پایان جنگ خلیج فارس، جامعه بین المللی تصمیم گرفت که زرادخانه های سلاحهای شیمیایی و میکروبی عراق و موشکهای بالستیک آن کشور را منهدم کند. روشی که برای تحقق این هدف برگزیده شد، تشکیل کمیسیون ویژه سازمان ملل برای انجام بازرسیهای سرزده در داخل عراق و از بین بردن سلاحهای شیمیایی و میکروبی و موشکهای بالستیک با برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر بود. آژانس بین المللی انرژی اتمی مأمور شد برنامه سلاحهای هسته ای عراق را لغو کند.

بین سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۸، کمیسیون ویژه سازمان ملل موفق شد مقادیر درخور توجهی سلاح شیمیایی و موشک بالستیک و نیز تأسیسات تولید مربوط بدان را شناسایی و منهدم کند. آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز زیر ساختهای برنامه سلاحهای عراق را منهدم و مواد

جنگ خلیج فارس، عراق ۲۵۰ موشک نوع اسکاد به علاوه تعداد نامعلومی موتور و اجزا وارد کرده بود. همچنین، روی نوع دیگری از اسکاد پیشرفته (مانند العباس) کار می کرد که برد آنها ۹۰۰ کیلومتر بود. از سوی دیگر، قصد داشت برای تولید موشکهای جدید، روی موتور اسکاد تغییرات مهندسی انجام دهد.

اطلاعات جدید نشان می دهد که ممکن است در آن زمان، آنها به موفقیت دست یافته باشند، به ویژه عراق برای موشک جدید اسکاد که برد آن ۱۲۰۰ کیلومتر بود، برنامه هایی داشت. همچنین، یک وسیله پرتاب چند مرحله ای ماهواره را که بر فناوری اسکاد متکی بود و العبد نامیده می شد، آزمایش کرد. همچنین، در خلال این دوره، در حال تکمیل موشک دو مرحله ای بدر ۲۰۰۰ بود که هفتصد تا هزار کیلومتر برد داشت و با سوخت جامد کار می کرد (این برنامه بر نقش عراق در دو برنامه ای که با همکاری آرژانتین و مصر جریان داشت، مبتنی بود). برای سیستمهای موشکی با برد ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلومتر با استفاده از سوخت جامد نیز برنامه هایی وجود داشت.

استفاده از سلاحهای شیمیایی و میکروبی

عراق طی جنگ علیه ایران، بارها، از انواع سلاحهای شیمیایی استفاده کرد. بسیاری از قربانیان این سلاحها هنوز، در بیمارستانهای ایران از تأثیرات دراز مدت آن (انواع متعدد سرطان و بیماریهای ریوی) رنج می برند. در سال ۱۹۸۸، صدام همچنین، علیه کردهای عراقی در حلبچه، واقع در شمال عراق، از خردل و گازهای اعصاب استفاده کرد. برآوردها متفاوت است، اما به گفته سازمان ناظر حقوق بشر، طی این جنایت، پنج هزار نفر کشته شدند.

عراق در جنگ با ایران، از مقادیر زیادی خردل، تابون و سارین استفاده کرد که بیش از بیست هزار نفر تلفات در برداشت. یک ماه پس از حمله به حلبچه، نیروهای عراقی بیش از صد تن سارین را در شبه جزیره فاو و در سه ماهه پس از آن، سارین و دیگر گازهای اعصاب را علیه ایرانیان به کار بردند که تلفات گسترده ای به بار آورد.

از روی اظهارنامه های عراق به سازمان ملل پس از جنگ خلیج فارس، پی می بریم که این کشور تا سال ۱۹۹۱، انواع وسائل حمل سلاحهای شیمیایی و

هسته ای اساسی آن را خارج کرد. این امر، با وجود یک برنامه مداوم و هوشمندانه ایذاء، ممانعت، تکذیب و انکار انجام گرفت. بدین دلیل، کمیسیون ویژه در سال ۱۹۹۸ به این نتیجه رسید که توانایی انجام مأموریت خود را ندارد و در دسامبر سال ۱۹۹۸ بازرسان خاک عراق را ترک کردند.

بر اساس گزارش کمیسیون ویژه به شورای امنیت سازمان ملل در ژانویه سال ۱۹۹۹ و گزارشهای قبلی کمیسیون، ارزیابی می شود که وقتی بازرسان ملل متحد عراق را ترک کردند، نتوانستند موارد زیر را معلوم کنند: - ۳۶۰ تن مواد شیمیایی جنگی از جمله ۷۵ تن گاز وی.ایکس.

- ۳ هزار تن مواد تشکیل دهنده مواد شیمیایی از جمله حدود ۳۰۰ تن که در برنامه سلاحهای شیمیایی عراق مخصوص تولید وی.ایکس بود.

- واسطه‌های رشد که برای تولید عامل میکروبی تهیه شده بود (برای تولید بیش از سه برابر ۸۵۰۰ لیتر هاگ سیاه زخم کافی بود که عراق به تولید آن اعتراف کرده بود). - بیش از ۳۰۰۰ هزار مهمات ویژه برای حمل عوامل شیمیایی و میکروبی.

ترک عراق از سوی کمیسیون ویژه سازمان ملل بدین معنا بود که جامعه بین‌المللی نمی‌تواند حقیقت پشت این مغایرتها را مشخص کند. بدین ترتیب، توانایی این جامعه به ارزیابی کردن تلاشهای مداوم عراق برای بازسازی برنامه‌های خود، تضعیف شد.

نتیجه‌گیری

اگرچه کشور عراق همراه با ناهمگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، آسیب‌پذیریهای ژئوپولیتیکی، اقتصاد تک محصولی و ترس امنیتی ناشی از فشار خارجی در اوایل قرن بیستم به وجود آمد، اما به قدرت رسیدن صدام در این کشور از سال ۱۹۷۹ و عملکرد وی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی موجب شد تا عراق تحت حاکمیت وی از ویژگیهای ذیل برخوردار شود:

۱- به کشوری قابل توجه اما غیر قابل اعتماد تبدیل شود.

۲- از قابلیت بر هم زدن معادلات منطقه ای و بین‌المللی برخوردار شود.

۳- محور و منشا اکثر ناآرامی‌ها و بحرانهای منطقه ای باشد. ۴- ساختار قومی فرهنگی و سیاسی آن مورد غفلت قرار گیرد. لازم به ذکر است، عدم توجه به ساختار فرهنگی سیاسی و اجتماعی عراق موجب شد تا این کشور در سراسر دوران حاکمیت حزب بعث دچار بحران هویت شود. این موضوع در فروپاشی ساختار این حزب و سرنگونی صدام نقش به سزائی داشت.

۵- برنامه‌های داخلی صدام موجب افزایش روند نارضایتی عمومی نسبت به اوضاع اقتصادی سیاسی و اجتماعی، افزایش فعالیت معارضین، تداوم فعالیتهای سرکوبگرانه و در نهایت نابودی ساختارهای زیربنائی عراق شد.

۶- از قابلیت تهدید زائی نسبت به امنیت کشورهای همسایه برخوردار باشد. صدام در طول دوران حاکمیت خود باعث به راه انداختن دو جنگ بزرگ علیه ایران و کویت شد. همچنین داعیه رهبری جهان عرب، طرح ادعاهای مرزی و ارضی نسبت به برخی کشورهای همسایه و ساختار حکومتی متمرکز و توتالیتر موجب شد تا بر قابلیت‌های تهدیدزائی عراق افزوده شود. ویژگیهای فوق بیانگر این واقعیت است که عراق تحت حاکمیت صدام در کشاکش قدرت و ناتوانی قرار داشت. به همین دلیل، کارشناسان در همان دوران برای عراق دو سطح بحران پیش‌بینی نمودند: ۱- بحران حکومتی، ۲- بحران منطقه‌ای در ابتدای سال ۲۰۰۳ میلادی بحرانهای فوق به وقوع پیوست و در نتیجه عامل صدام از صحنه معادلات داخلی عراق حذف شد. عراق پس از صدام نیز در دوران گذار قرار دارد. اگرچه کارشناسان، زمان مورد نیاز برای عبور از دوران گذار را برای آینده نزدیک پیش‌بینی نمی‌کنند، لیکن حذف صدام در این کشور دارای بازتابها و پیامدهای مهمی خواهد بود. برخی از این پیامدها عبارتند از:

۱- تغییر ساختارها و بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی عراق.

۲- متاثر ساختن موازنه قدرت در منطقه.

۳- تداوم اشغالگری در عراق و در نتیجه تثبیت حضور آمریکا در این کشور.

۴- فراهم شدن زمینه‌های افزایش نقش بازیگری برخی عوامل ژئوپولیتیکی در عراق مانند شیعیان، تمایلات تجزیه طلبانه و.

۵- باقی ماندن عراق به عنوان یک بازیگر مهم منطقه ای.